



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Protecting the Right to Freedom of Expression of Journalists Active in the Field of Medicine and Health on the Internet from the Perspective of European Human Rights

Sarah Famouri¹, Hamid Olohi Nazari^{1*}

1. Department of Public Law, Faculty of Law and Political Sciences, Tehran University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The right to freedom of expression is described as a first-generation human right in the Universal Declaration of Human Rights, the European Convention on Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights and even international labor rights instruments. The importance of this right is to the extent that today, in some documents such as Article 17 of the United Nations Model Law on Freedom of Information, it has been transformed from a right into an obligation. The purpose of the present study is that, considering the development of two important international documents, the European Convention on Human Rights (Article 10) and the Charter of Fundamental Rights of the European Union, the first of which is in the field of protecting the rights of European citizens, including the right to freedom of expression in newspapers, by the member states of the Convention and the second in the field of protecting the rights of European citizens by the European Union; it should be concluded that the protection of the right to freedom of expression of journalists in the European Union takes place at two levels: the state and the Union itself and therefore, its violation can, in addition to entailing the responsibility of the member states.

Method: The method used in this research is descriptive-analytical. In this regard, reliable library sources, including primary sources, namely the European Convention on Human Rights, the Charter of Fundamental Rights of the European Union, relevant documents at the level of the World Health Organization and secondary sources, namely doctrines and theories related to the protection of the right to freedom of expression of journalists active in the field of medicine and health on the Internet, are used.

Ethical Considerations: This research is based on ethical considerations such as scientific integrity, originality of the text, non-discrimination and good faith.

Results: The general public does not have enough information and time to obtain health and medical information and in the meantime, due to various reasons such as the high cost of treatment and health, the complexity of medical and therapeutic matters, etc., this lack of access to medical and pharmaceutical information is exacerbated. In the meantime, journalists are considered as a bridge between the medical and therapeutic community and citizens. Duties and rights related to the right to freedom of expression regarding health and treatment information for journalists who attempt to publish information in this field have been specified for governments in the case law of the European Court of Human Rights, including non-discrimination in providing medical and health information, providing accurate and uncensored information regarding citizens' health.

Conclusion: The result of this research is that there are restrictions on the right to freedom of expression of journalists in both the case law of the European Court of Human Rights and the member states, including hate speech, incitement to riot and defamation, in which cases, journalists are not allowed to have any freedom of expression. There are challenges in the case law of the European Court of Human Rights in relation to protecting the right to freedom of expression of journalists, including the impossibility of issuing an advisory opinion of the Court in relation to this right, the wider discretion of the member states of the European Convention on Human Rights compared to the Court in determining cases of restrictions on the right to freedom of expression of journalists.

Keywords: Right to Freedom of Expression; Medical and Health Matters; European Court of Human Rights; Journalist; European Convention on Human Rights

Corresponding Author: Hamid Olohi Nazari; **Email:** soohan@ut.ac.ir

Received: November 03, 2024; **Accepted:** March 05, 2025; **Published Online:** December 06, 2025

Please cite this article as:

Famouri S, Olohi Nazari H. Protecting the Right to Freedom of Expression of Journalists Active in the Field of Medicine and Health on the Internet from the Perspective of European Human Rights. Medical Law Journal. 2025; 19: e45.

مجله حقوق پزشکی

دوره نوزدهم، ۱۴۰۴

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

حمایت از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران فعال در حوزه پزشکی و سلامت در بستر اینترنت از منظر حقوق بشر اروپایی

سارا فاموری^۱ ID، حمید الهویی نظری^{۱*} ID

۱. گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حق آزادی بیان به عنوان یک حق نسل اول بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حتی اسناد بین‌المللی حقوق کار توصیف می‌شود. اهمیت این حق تا بدانجاست که امروزه در برخی از اسناد همچون ماده ۱۷ قانون نمونه آزادی اطلاعات ملل متحد، از حق تبدیل به الزام شده است. هدف از تحقیق حاضر آن است که با توجه به تدوین دو سند مهم بین‌المللی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ماده ۱۰) و منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی که اولی در زمینه حفظ حقوق شهروندان اروپایی، از جمله حق آزادی بیان در روزنامه‌ها توسط دولت‌های عضو کنوانسیون و دومی در زمینه حفظ حقوق شهروندان اروپایی توسط اتحادیه اروپایی می‌باشد، بایستی این موضوع را استنباط نمود که حمایت از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران در اتحادیه اروپایی در دو سطح دولت‌ها و خود اتحادیه صورت می‌پذیرد. بنابراین نقض آن می‌تواند علاوه بر اینکه مسئولیت دولت‌های عضو را در پی داشته باشد.

روش: روش مورد استفاده در تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای اعم از منابع دست اول، یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی، اسناد مرتبط در سطح سازمان جهانی بهداشت و منابع دست دوم، یعنی دکرین‌ها و نظریاتی که در ارتباط با حمایت از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران فعال در حوزه پزشکی و سلامت در بستر اینترنت است، استفاده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: این تحقیق بر پایه ملاحظات اخلاقی همچون امانتداری علمی، اصالت متن، عدم تبعیض و حسن نیت نگاشته شده است.

یافته‌ها: عموم شهروندان از اطلاعات و زمان کافی به منظور در اختیارگرفتن اطلاعات سلامت و پزشکی برخوردار نیستند و در این میان به علل مختلف همچون گرانی هزینه‌های درمان و سلامت، پیچیدگی‌های امور پزشکی و درمانی و... این عدم دسترسی به اطلاعات پزشکی و دارویی تشدید می‌گردد. در این میان، روزنامه‌نگاران به عنوان پلی میان جامعه پزشکی و درمانی و شهروندان تلقی می‌گردند. تکالیف و حقوقی در ارتباط با حق آزادی بیان ناظر بر اطلاعات سلامت و درمان برای روزنامه‌نگارانی که اقدام به نشر اطلاعات در این زمینه می‌نمایند، برای دولت‌ها در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر مشخص شده‌اند، از جمله عدم تبعیض در ارائه اطلاعات پزشکی و سلامت، ارائه اطلاعات صحیح و بدون سانسور در ارتباط با سلامت شهروندان.

نتیجه‌گیری: نتیجه تحقیق حاضر بدین صورت است که محدودیت‌هایی بر حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران هم در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر و هم دولت‌های عضو وارد است، از جمله بیان سخنان نفرت‌برانگیز، تحریک به شورش و هتک حیثیت که در این موارد، روزنامه‌نگاران مجاز نیستند تا هرگونه آزادی بیان داشته باشند. چالش‌هایی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در ارتباط با حمایت از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران وجود دارد، از جمله عدم امکان صدور نظر مشورتی دیوان در ارتباط با این حق، صلاحیت گسترده‌تر دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نسبت به دیوان برای تشخیص موارد محدودیت حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران.

واژگان کلیدی: حق آزادی بیان؛ امور پزشکی و سلامت؛ دیوان اروپایی حقوق بشر؛ روزنامه‌نگار؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

نویسنده مسئول: حمید الهویی نظری؛ پست الکترونیک: soohan@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Famouri S, Olohi Nazari H. Protecting the Right to Freedom of Expression of Journalists Active in the Field of Medicine and Health on the Internet from the Perspective of European Human Rights. Medical Law Journal. 2025; 19: e45.

مقدمه

آزادی بیان در سطح رسانه‌ها و مطبوعات، یکی از حقوق بنیادین بشری است که از سوی جامعه اروپایی به عنوان یکی از پایه‌های دموکراسی قرار داده شده است. جدا از مواد ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اینکه مجمع عمومی ملل متحد در اولین جلسه خود اعلام نمود که «آزادی اطلاعات یک حق بنیادین بشری است و... نقطه محوری تمامی آزادی‌هایی است که سازمان ملل متحد بر پایه آن بنا شده است» (۱). حق آزادی بیان به طور کلی در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. با توجه به اینکه تمامی دولت‌های عضو این کنوانسیون، آن را به شکل قانون داخلی درآورده‌اند، در محاکم قضایی داخلی آن‌ها نیز قابل استناد می‌باشد (۲)، ضمن اینکه در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، به طوری که بیان شده است: «آزادی مطبوعات و روزنامه‌ها به عموم مردم، بهترین وسیله برای کشف و شکل‌دهی به دیدگاه‌ها و افکار و گرایش‌های رهبران سیاسی را می‌دهد، به ویژه آزادی مطبوعات به سیاستمداران، فرصت منعکس نمودن و اظهار نظر در مورد موضوعات مبتلابه افکار عمومی را می‌دهد» (۳). این حق در ماده ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی (The Charter of Fundamental Rights of the European Union) مورد حمایت قرار گرفته است، به طوری که در بند ۲ این ماده تصریح شده است: «آزادی و پلورالیسم رسانه‌ای می‌بایستی مورد احترام قرار بگیرد.» تفاوت منشور با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را بایستی در آن دانست که آن حقوق که در منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی به رسمیت شناخته شده‌اند، در صورت نقض موجب مسئولیت بین‌المللی خود اتحادیه اروپایی می‌شوند تا دولت‌های عضو در مقایسه با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که این نقض حقوق موجب مسئولیت بین‌المللی دولت‌های عضو می‌گردد. در سال ۲۰۱۴، شورای اتحادیه اروپایی، «دستورالعمل‌های حقوق بشر اتحادیه اروپا ناظر بر آزادی بیان به صورت برخط و برون خط» را مورد پذیرش قرار داد که اولویت‌های آزادی بیان اتحادیه اروپایی در

سطح جهانی در برخورد با کشورهای دیگر را نشان می‌دهد. این اولویت‌ها عبارتند از: مبارزه با خشونت، تعقیب، تعرض و تهدید افراد، از جمله روزنامه‌نگاران و سایر فعالین رسانه‌ای، ترویج و ارتقای قوانین و دستورالعمل‌هایی که آزادی بیان را از جمله در سطح روزنامه‌ها و مطبوعات مورد حفاظت قرار دهد، ارتقای آزادی و پلورالیسم رسانه‌ای و تقویت فهم مشترک در میان عامه مردم در ارتباط با مداخله غیر مجاز دولت در ارائه گزارش‌های بی‌طرفانه و منصفانه روزنامه‌نگاران، حمایت از اصلاح قوانین و رویه‌هایی که از حریم خصوصی و حفاظت از داده‌های اینترنتی در فضای مجازی.

اتحادیه اروپایی به صورت نظام‌مند موضوع آزادی بیان در سطح روزنامه‌ها و مطبوعات را در سطوح مختلف سیاستی، از جمله مشورت با کشورهای شریک خود مطرح نموده است و در این راستا، اقدام به انتصاب گزارشگران ویژه آزادی بیان و آزادی مطبوعات نموده است که در گفتگوهای حقوق بشری اتحادیه اروپایی با سایر دولت‌ها شرکت می‌نمایند. اتحادیه اروپایی، پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که در این زمینه هستند، از جمله آموزش، ظرفیت‌سازی و حمایت از روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، مدافعان حقوق بشر را مورد حمایت قرار می‌دهد (۴).

این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که حق آزادی بیان در زمینه روزنامه‌نگاران از چه جایگاهی در سطح اتحادیه اروپایی با توجه به قوانین و رویه قضایی برخوردار می‌باشد؟ ضرورت تحقیق حاضر از آن روست که امروزه به دلیل توسعه فضای مجازی از یکسو و از سوی دیگر، پیداشدن پدیده‌های جدید در این حوزه همچون شهروند خبرنگار و نیز مخالفت دیرینه پورزتویسم دولتی با هرگونه فعالیت شفافیت روزنامه‌نگاران در سطح جهان، حفاظت از حق آزادی بیان در سطح روزنامه‌ها و مطبوعات از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

در ارتباط با سوابق پژوهشی که در ارتباط با این موضوع باشد، اگرچه در حوزه حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران، پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است، اما این پژوهش‌ها به حوزه‌های مربوط به سلامت و درمان بسط نکرده است و این خلأ هم در تحقیقات فارسی و هم در تحقیقات انگلیسی دیده می‌شود. در

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

عموم شهروندان از اطلاعات و زمان کافی به منظور در اختیارگرفتن اطلاعات سلامت و پزشکی برخوردار نیستند و در این میان به علل مختلف همچون گرانی هزینه‌های درمان و سلامت، پیچیدگی‌های امور پزشکی و درمانی و...، این عدم دسترسی به اطلاعات پزشکی و دارویی تشدید می‌گردد. در این میان، روزنامه‌نگاران به عنوان پلی میان جامعه پزشکی و درمانی و شهروندان تلقی می‌گردند. تکالیف و حقوقی در ارتباط با حق آزادی بیان ناظر بر اطلاعات سلامت و درمان برای روزنامه‌نگارانی که اقدام به نشر اطلاعات در این زمینه می‌نمایند، برای دولت‌ها در رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر مشخص شده‌اند، از جمله عدم تبعیض در ارائه اطلاعات پزشکی و سلامت، ارائه اطلاعات صحیح و بدون سانسور در ارتباط با سلامت شهروندان.

بحث

۱. مفهوم و ویژگی‌های آزادی بیان روزنامه‌نگاران در اسناد حقوق بشر اروپایی: حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران در اسناد حقوق بشر اروپایی دارای چند ویژگی خاص می‌باشد:

۱-۱. نسبی بودن: حق آزادی بیان مطبوعات در اسناد حقوق بشر اروپایی به عنوان یک حق مطلق مطرح نشده، بلکه یک حق نسبی بشری است که همراه با سایر حقوق بشری، از جمله حق حریم خصوصی و حق بر شهرت معنا پیدا می‌نماید (۷). حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران امروزه به تدریج در حال تبدیل شدن به یک الزام بوده، بدین معنا که نهادهای دولتی و عمومی نه تنها بایستی حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران را به رسمیت بشناسند، بلکه فراتر از آن خود نیز ملزم به انتشار اطلاعات هستند که ماده ۱۷ قانون نمونه آزادی اطلاعات اثبات‌کننده این چنین ادعایی است: «هر نهاد عمومی باید به

هر صورت، می‌توان به تحقیقات ذیل به عنوان تحقیقات مرتبط اشاره نمود:

۱- اصغری (۱۴۰۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحریم خبرنگاران رسانه ملی از منظر حقوق بین‌الملل» به این موضوع پرداخته است که تحریم اشخاص ایرانی امروزه به خبرنگاران ایرانی افزایش پیدا کرده است. این اشخاص ظاهراً هیچ‌گونه ارتباطی با دستگاه‌های امنیتی ایران نداشته و صرفاً علاقه یا رسته سازمانی آن‌ها در سازمان صدا و سیما مبتنی بر این بوده است که در حیطه مسائل سیاسی یا امنیتی فعالیت نمایند. در همین زمینه این امر مطرح شده است، به عنوان نتیجه که تحریم اتحادیه اروپایی و وزارت خزانه‌داری آمریکا در ارتباط با خبرنگاران ایرانی، با حق آزادی بیان خبرنگاران در تعارض بوده است. این مقاله، اگرچه در حیطه حق آزادی بیان خبرنگاران در حوزه سلامت و بهداشت به طرح بحث نپرداخته است، اما در حوزه چهارچوب حق آزادی بیان خبرنگاران به صورت کلی به طرح بحث پرداخته است (۵).

۲- رضایی و بابازاده مقدم (۱۳۹۳ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا» به این موضوع تأکید داشته‌اند که اینترنت یک نقش مهم در زمینه آزادی بیان دارد. با این حال، دولت‌ها محدودیت‌های زیادی در زمینه دسترسی و انتشار اطلاعات بر روی اینترنت قائل شده‌اند، سپس به دستورالعمل‌های یونسکو و شورای اروپایی اشاره شده است (۶).

روش

روش مورد استفاده در تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای اعم از منابع دست اول، یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی، اسناد مرتبط در سطح سازمان جهانی بهداشت و منابع دست دوم، یعنی دکترین‌ها و نظریاتی که در ارتباط با حمایت از حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران فعال در حوزه پزشکی و سلامت در بستر اینترنت است، استفاده می‌شود.

نفع عموم اطلاعات کلیدی را دست کم سالانه به شکلی قابل دسترس چاپ و منتشر کند» (۸). با یک تفسیر منطقی از بند «ج» ماده ۷۶، بند ۳ ماده ۱ و بند «ب» ماده ۱۳ منشور ملل متحد می‌توان به این نتیجه رسید که به آن دلیل که پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر، یکی از اهداف اساسی تشکیل ملل متحد تلقی شده و حق آزادی بیان به عنوان یک حق بشری در اسناد مختلف، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تضمین قرار گرفته است. بنابراین نقض حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران به طریق اولی می‌تواند نقض منشور ملل متحد و حتی نقض صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده، به این دلیل که یکی از اهداف بنیادین سازمان ملل متحد را نشانه می‌رود (۹).

۲-۱. عملی و مؤثر بودن: تمامی حقوقی که بر مبنای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد تضمین قرار گرفته‌اند، می‌بایستی مؤثر و عملی باشند و نه صرفاً نظری. در ارتباط با روزنامه‌نگاران بایستی گفت که البته منظور از روزنامه‌نگاران در اینجا هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی که به صورت شرکت‌های روزنامه‌نگاری فعالیت می‌نمایند، می‌گردد. حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران بر مبنای گزارش سازمان ملل متحد به معنای صرف نگارش یا صحبت بدون محدودیت نمی‌باشد، بلکه همانطور که اعلام شده است، شامل موارد ذیل نیز می‌گردد: ۱- نسبت به هر کسی بدون هیچ‌گونه تبعیض اعمال می‌گردد؛ ۲- محدوده کلی آن فراگیر بوده و شامل اطلاعات و ایده‌هایی از همه نوع، از جمله صحبت‌ها و نگارش‌های سیاسی، فرهنگی و تجاری می‌گردد؛ ۳- حق به دریافت و عدم جانبداری از اطلاعات؛ ۴- حفاظت از اطلاعاتی که می‌تواند از سوی عده‌ای به عنوان یک امر خسارت بار ملاحظه شود (۱۰).

۲. اسناد اروپایی در زمینه حفاظت از آزادی بیان در سطح روزنامه‌نگاران و مطبوعات: اسناد اروپایی در زمینه حفاظت از آزادی بیان در سطح روزنامه‌نگاران و مطبوعات در دو سطح حقوق سخت و حقوق نرم قابل تقسیم‌بندی می‌باشند.

۲-۱. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مهم‌ترین سند اروپایی در ارتباط با حق آزادی بیان در سطح روزنامه‌نگاران است. دادگاه اروپایی حقوق بشر در تفسیر خود از ماده ۱۰، اعمال حق آزادی بیان را با اعمال ماده ۶، یعنی اصل دادرسی منصفانه بسیار مرتبط می‌داند. علنی‌بودن محاکم رسیدگی‌کننده به جرائم مطبوعاتی و جرائم مربوط به آزادی بیان، منصفانه‌بودن جریان دادرسی و بی‌طرف‌بودن قضات و استقلال دستگاه قضایی نیز در ارتباط با اعمال این حق مورد تأکید دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است. همچنین اعمال این حق با ماده ۹ کنوانسیون (حق آزادی مذهب و عقیده) و ماده ۵ کنوانسیون (بازداشت موقت) مرتبط دانسته شده است، البته علاوه بر خود کنوانسیون، بایستی برخی از پروتکل‌های آن را مرتبط با اعمال حق آزادی بیان در مطبوعات دانست، از جمله پروتکل شماره ۱۲ (۴ نوامبر ۲۰۰۰ م.). یکی از ایرادات بر رویه قضایی دادگاه اروپایی حقوق بشر در این است که با توجه به تصریح ماده ۴۷ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مبنی بر اینکه حقوق مندرج در بخش اول کنوانسیون، از جمله حق آزادی بیان، امکان درخواست رأی مشورتی از دادگاه اروپایی حقوق بشر در ارتباط با آن‌ها وجود ندارد و تنها به صورت توافقی، امکان رسیدگی در ارتباط با آن‌ها وجود دارد.

۲-۲. دستورالعمل‌های اتحادیه اروپایی در حفاظت از آزادی رسانه‌ها و یکپارچگی رسانه‌ها (Guidelines for EU Support to Media Freedom and Media Integrity): این دستورالعمل‌ها بر پایه نتایج کنفرانس Speak-up!2 و راهبرد بزرگ‌سازی ۲۰۱۳-۱۴ اتحادیه اروپایی ایجاد شده است. این دستورالعمل‌ها که با مشورت گروه‌های ذی‌نفع به وجود آمده است، درصدد است تا انسجام بین حمایت و معاضدت سیاستی در سطوح ملی و فراملی را افزایش دهد. برای دستیابی به این هدف، سه گروه می‌بایستی به تحرک واداشته و مورد حمایت قرار بگیرند: ۱- مؤسسات دولتی که مسئولیت ایجاد یک فضای ایمن برای آزادی بیان در سطح مطبوعات و رسانه‌ها را ایفا می‌نمایند؛ ۲- سازمان‌های تخصصی رسانه‌ای که بزرگ‌ترین بازیگران آزادی بیان رسانه‌ای

هستند؛^۳ رسانه‌های مستقل که از آن‌ها انتظار می‌رود تا حکمرانی داخلی را افزایش دهند.

در راستای همین دستورالعمل، اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۱۷، برنامه «همیاری فنی برای سازمان‌های مردم‌نهاد» را همراه با سایر ذی‌نفعان ایجاد نموده و به موجب آن یک سازوکار نظارتی برای ارزیابی مؤثر، نظام‌مند و جامع کشورهای مورد نظر، از جمله از منظر آزادی بیان مطبوعات و رسانه‌ها به وجود آورد.

۳. رویه قضایی حاکم بر حمایت از آزادی بیان روزنامه‌نگاران در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر

۱-۳. قضیه کوئن و سکویل در مقابل هلند (The Case of Koen Vaskuil v. Netherlands): پرونده حاضر

برخواسته از دادخواست شماره ۶۴۷۵۲/۰۱ علیه پادشاهی هلند تحت ماده ۳۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد که از سوی یک تبعه هلندی با نام آقای کوئن و سکویل در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۰ به دادگاه اروپایی حقوق بشر تسلیم شده است. وکالت خواهان را آقای لو پول (Le Poole)، وکیلی ورزیده در آمستردام به عهده دارد و از آن سو وکالت دولت هلند بر عهده نماینده آن‌ها آقای بوکر از وزارت امور خارجه هلند است.

خواهان یک روزنامه‌نگار است که به ویژه نسبت به دستور بازداشتش که منجر به اجبار وی به افشای یک منبع آگاهی‌دهنده (منبع اطلاعاتی) شده، مدعی نقض ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد. او همچنین در شکایت خود ماده (۱) ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را مورد استناد قرار داده است. با توجه به وقایع پرونده مناسب است که به بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که از سوی خواهان در خصوص بازداشت وی مورد استناد قرار گرفته، اشاره کنیم. بند ۱ ماده ۵ مقرر می‌دارد: «هر شخصی از حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی برخوردار است. هیچ کس را نباید از آزادی‌اش محروم کرد، به استثنای موارد زیر و بر اساس رویه‌ای که قانون مقرر کرده است:

۱- حبس قانونی فرد پس از تأیید محکومیت توسط یک دادگاه صالح؛

۲- بازداشت قانونی یا توقیف شخصی که از حکم قانونی یک دادگاه تمکین نکرده یا به منظور تضمین اجرای کامل کلیه تعهداتی است که توسط قانون مقرر شده است؛

۳- بازداشت یا توقیف شخصی که تردید منطقی در مورد دست‌داشتن وی در ارتکاب به جرمی وجود دارد، با هدف احضار وی در مقابل یک مقام قانونی صالح یا زمانی که بازداشت مخفی به منظور جلوگیری از وقوع جنایت یا فرار پس از انجام جنایت از لحاظ منطقی لازم به نظر می‌رسد؛

۴- بازداشت یک شخص نابالغ (صغیر) با حکم قانونی به منظور نظارت آموزشی یا بازداشت قانونی وی با هدف احضار شخص در مقابل مقام قانونی ذی‌صلاح؛

۵- بازداشت قانونی اشخاص به منظور ممانعت از شیوع بیماری‌های عفونی مسری، افراد دارای ذهن غیر سلیم، معتادان به الکل یا مواد مخدر یا افراد ولگرد؛

۶- بازداشت قانونی اشخاص به منظور ممانعت از ورود غیر مجاز آن‌ها به داخل کشور یا شخصی که حکم اخراج یا استرداد وی به دولت متبوعه‌اش صادر شده باشد.»

در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴ دادگاه تصمیم به دادن احضاریه‌ای بر اساس دادخواست ارائه‌شده از سوی خواهان به دولت هلند گرفت. هم‌زمان جهت بررسی واردبودن دادخواست ارائه‌شده به منظور پذیرش در دادگاه، تحت بند ۳ از ماده ۲۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تصمیم‌گیری شد. ماده ۲۹ کنوانسیون با عنوان تصمیمات دفاتر دادرسی در مورد قابلیت طرح و درستی دادخواست‌ها، در بند ۳ خود مقرر می‌نماید: «تصمیم در مورد قابلیت طرح درخواست‌ها باید به صورت جداگانه اتخاذ شود، مگر آنکه دادگاه در موارد فوق‌العاده به گونه دیگری تصمیم‌گیری کند» (۱۱).

۲-۳. قضیه شرکت تلویزیونی و فیلم‌سازی نوردیسک علیه دولت دانمارک: خواهان شرکت خصوصی فیلم‌سازی و تلویزیونی نوردیسک است که در دانمارک در منطقه والپی مستقر می‌باشد. نماینده این شرکت، آقای تیرییر (Teerier) می‌باشد که ساکن کپنهاگ است و در آنجا فعالیت دارد. موقوف پرونده طبق اظهارات خواهان به شرح زیر می‌باشد:

شرکت خواهان تولیدکننده برنامه‌های تلویزیونی است. در اکتبر ۱۹۹۹ واحد مستندسازی این شرکت به نام «فاکلون (Fakleven)» تصمیم به تولید برنامه‌ای کرد که در آن به بررسی پادوفیلیا (حمایت از کودکان) در کشور دانمارک پرداخته می‌شد و قرار شد که این برنامه در تلویزیون ملی این کشور پخش شود. در ارتباط با این هدف تعدادی روزنامه‌نگار نیز توسط شرکت مذکور استخدام شدند تا بتوانند به بررسی بهتری در این زمینه بپردازند. برای این منظور از تعدادی از اعضای «انجمن حمایت از کودکان» دعوت به عمل آمد تا مصاحبه‌ای با آن‌ها انجام شود.

انجمن مذکور با هدف توسعه حس مسئولیت‌پذیری نسبت به کودکان تشکیل شده است. این انجمن همچنین به طور منظم جلساتی با حضور اعضای خود برگزار می‌کند و نتایج آن را در اختیار عموم و رسانه‌ها قرار می‌دهد. اعضای این انجمن شامل افرادی می‌باشد که در گذشته از نظر جنسی مورد تعرض قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است که این انجمن، طبق قوانین دانمارک غیر قانونی نبوده، ولی با این حال قانونی یا غیر قانونی بودن این انجمن در کشور دانمارک بسیار مورد بحث قرار گرفته است.

یک روزنامه‌نگار با نام استعاری جیکوپ اندرسون (Jacob Anderson) که قصد تحقیق در خصوص فعالیت‌های این انجمن را داشت، خود را به عنوان عضوی از این انجمن جا زد. در طول این مدت از حضور اندرسون در انجمن، وی توانست در جلسات نیمه‌عمومی زیادی شرکت کند و به خاطر حضور مداومش، حتی به جلسات خصوصی انجمن نیز دعوت می‌شد و به واسطه این حضور وی توانست با دو تن از اعضای این انجمن به نام‌های ماگنز و پر (Magne & Perr) رابطه برقرار کند. این دو نفر اطلاعات و حقایق بسیار جالبی را در مورد واقعیت‌های مربوط به حمایت از کودکان در دانمارک و هندوستان به اندرسون بیان داشتند. از جمله این حقایق، نحوه اغوای کودکان برای چت‌کردن از طریق اینترنت، همچنین سختی عمل قوادی در دانمارک و در عین حال آسان بودن عمل قوادی در اروپای شرقی و هندوستان بود.

در ادامه آقایان ماگنز و پر مدعی شدند که دیگر نیازی به پرداخت خسارت و هزینه‌های دادرسی نمی‌باشد و رأی دادگاه مبنی بر اجبار ایشان به پرداخت هزینه‌های مذکور غیر قانونی است. با این ادعا، دادگاه دوباره شروع به بررسی درخواست آقایان ماگنز و پر کرد. بعد از مدتی آقای پر از ادعای خود مبنی بر عدم پرداخت هزینه دادرسی صرف نظر کرد، ولی آقای ماگنز، همچنان به ادعای خود اصرار ورزید و در نهایت تصمیم به این گرفته شد که پرونده دیگر متوقف شود و آقای ماگنز هم از سوی دادگاه ملزم به پرداخت هزینه‌های دادرسی مربوطه شد (۱۲).

۳-۳. پرونده گودوین علیه بریتانیای کبیر (Goodwin v. United Kingdom): این پرونده در ۲۰ می ۱۹۹۴ در حدود یک مدت سه‌ماهه توسط کمیسیون اروپایی مورد بررسی قرار گرفت. طرفین این پرونده دولت بریتانیای کبیر و آقای ویلیام گودوین که یک شهروند بریتانیایی است، می‌باشند.

درخواست کمیسیون مبنی بر رسیدگی مرتبط با مواد ۴۴ و ۴۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بوده و هدف از دادرسی رسیدن به تصمیم‌گیری پیرامون اینکه آیا پرونده شامل هیچگونه نقضی تحت ماده ۱۰ کنوانسیون می‌شود یا خیر می‌باشد.

ماده ۴۸ پیش‌گفته مقرر می‌دارد: «دادگاه باید در مورد اینکه آیا دادخواست تقدیمی از سوی کمیته وزیران جهت ارائه نظر مشورتی، آنطور که در ماده ۴۷ تعریف شده، در حوزه صلاحیت قرار دارد تصمیم‌گیری نماید.

آقای ریسدال (Risdaal) به عنوان رییس هیأت داوری با نماینده دولت بریتانیا و نیز وکیل آقای گودوین صحبت کرده و روند دادرسی به طور رسمی از تاریخ سوم فوریه ۱۹۹۵ شروع می‌شود.

در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۹۵ آقای ریسدال بعد از شنیدن صحبت‌های نمایندگان دو طرف، با نهادهای مربوطه به حقوق بشر نیز در مورد پرونده حاضر مشورت می‌کند و پس از آن بنا

به تصمیم وی دادرسی به طور علنی در ساختمان حقوق بشر در استراسبورگ برگزار می‌شود (۱۳).

۴. محدودیت‌های حاکم بر اعمال حق آزادی بیان در

رویه دیوان اروپایی حقوق بشر: حق آزادی بیان در بند ۲ ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان حقی مطلق شناخته نشده و در مواردی محدودیت‌هایی بر این حق اعمال شده است. به طور کلی این محدودیت‌ها را می‌توان شامل امنیت ملی، احترام به مالکیت معنوی، ارتکاب جرائم، تشخیص دادگاه و حفاظت از اسرار مقامات دانست. این اعمال محدودیت بایستی اولاً به موجب قانون، مجاز باشد؛ ثانیاً می‌بایستی هدف مشروعی را دنبال نموده و نهایتاً اینکه در یک جامعه دموکراتیک، ضروری باشد (۱۴). همچنین اعمال این چنین محدودیت‌هایی نبایستی با موضوع و اهداف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و سایر اسناد مرتبط حقوق بشری اروپایی در تعارض بوده باشد و شامل تضمین‌های مناسب در مقابل سوءاستفاده، تبعیض یا خشونت باشد. حق آزادی بیان در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر از یک موقعیت افقی برخوردار بوده، به این معنا که با رجوع به رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، استنباط خواهد شد که این نهاد قضایی بعضی از حق‌های بشری را بر سایرین مقدم نموده است، از جمله حق آزادی بیان و بنابراین در موضع سلسله‌مراتبی دیوان، این حق از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بوده، به نوعی که حتی استثنایات وارد بر آن بایستی به مضیق‌ترین حالت تفسیر شوند (۱۵)، البته این بدان معنا نبوده است که دیوان همیشه موضع حمایتی از اعمال حق آزادی بیان در سطح روزنامه‌نگاران و مطبوعات داشته است، بلکه در برخی از قضایا همچون «یوت اینیسیاتیو فور هیومن رایتز در مقابل صربستان (Youth Initiative for Human Rights v. Serbia)»، بر ضرورت رعایت منفعت عمومی و نظم عمومی در زمینه آزادی بیان رسانه‌ها و روزنامه‌ها تأکید داشته است (۱۶). علاوه بر این، همان‌گونه که در رویه قضایی دیوان مشهود است، فعالیت روزنامه‌نگاری صرفاً محدود به روزنامه‌نگاری به صورت فیزیکی نشده، بلکه روزنامه‌نگاری در

فضای مجازی را شامل می‌شود، کما اینکه در قضیه «احمد ییلدریم در مقابل ترکیه (Ahmet Yildirim v. Turkey)» نیز تصریح شد که دسترسی به محتوای اینترنت، یکی از اصلی‌ترین روش‌های تحقق حق آزادی بیان تلقی می‌شود. این محدودیت‌ها عبارتند از: مجوزهای دولتی، امنیت ملی، جلوگیری از نقض نظم عمومی، اخلاق و حقوق و حیثیت دیگران که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد (۱۷).

۴-۱. مجوزهای دولتی: در بسیاری از کشورها، اشخاص حقیقی یا حقوقی برای ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های پخش برنامه یا مؤسسات مطبوعاتی و به طور کلی فعالیت‌های مربوط به جریان اطلاعات، می‌باید از مقامات مجوز دریافت کنند، البته معمولاً دولت‌ها دلایلی مانند ضرورت نظارت بر توانایی‌های حرفه‌ای و یا حمایت‌های صنفی و امثال آن را در این خصوص ذکر می‌کنند که لزوماً دلایل بی‌پایه‌ای قلمداد نمی‌شوند. در جمله سوم بند اول ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز چنین می‌خوانیم: «این ماده، مانع تقاضای دولت‌ها برای دریافت مجوز به منظور انتشار اخبار یا فعالیت بنگاه‌های تلویزیونی و سینمایی نخواهد بود»، البته در ترجمه‌ای صحیح‌تر از این جمله چنین برداشت می‌شود: «این ماده مانع از این نمی‌شود که کشورها، مؤسسات پخش برنامه و مؤسسه‌های تلویزیونی یا سینمایی را ملزم به کسب مجوز نمایند».

اما سؤال اینجاست که آیا سیستم اعطای مجوز می‌تواند به نحوی بر محتوای اطلاعات ارسالی تأثیر بگذارد و یا اینکه ارتباطی میان دریافت مجوز و مثلاً سانسور وجود دارد؟

دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه «رادیو گروپرا آ.گ. و دیگران در مقابل سوئیس (Case of Groppera Radio AG and Others v. Switzerland)» به روشنی نشان داد که هدف از ربع جمله سوم بند اول ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، صرفاً جلوگیری از تداخل فنی مانند تداخل فرکانس‌ها است. به عنوان مثال در مورد رادیوها استفاده از فرکانس‌ها باید مطابق با نظم عمومی و قاعده خاصی صورت

بگیرد و همین موضوع، مثلاً در مورد نام و عنوان روزنامه‌ها نیز صادق است (۱۸).

۲-۴. امنیت ملی: معمولاً امنیت ملی را اساسی‌ترین عنصری می‌دانند که در زندگی اجتماعی یک ملت وجود دارد. به عبارت دیگر «امنیت ملی» عنصری است که تهدید آن مترادف با تهدیدات تمامیت حیات یک ملت است و به همین دلیل معمولاً یک تهدید نظامی جدی اعم از داخلی و خارجی می‌تواند امنیت ملی را به خطر بیفکند، یعنی امنیت ملی معمولاً در صورتی به خطر می‌افتد که وقوع یک جنگ قریب‌الوقوع باشد یا رخ داده باشد. مرکز بین‌المللی مبارزه با سانسور معتقد است که تنها در صورتی می‌توان به امنیت ملی استناد کرد که خطر مشخصی تمامیت ارضی یا ملی یک کشور را تهدید کند و اگر این خطر متوجه یک دولت و رژیم خاص باشد، نمی‌توان به امنیت ملی استناد کرد (۱۹). با این حال، استناد به امنیت ملی نمی‌تواند به صورت مطلق باشد، بلکه در هر صورتی که استناد به امنیت ملی همراه با ترویج تنفر مذهبی یا نژادی باشد، به نحوی که به تبعیض، خشونت و... منتهی شود، نمی‌توان استناد به امنیت ملی را مجاز دانست. تمامی موارد مربوط به امنیت ملی را نمی‌توان در اسناد و رویه حقوق بشری اروپایی سراغ گرفت، بلکه برخی از آن‌ها وامدار از اسناد حقوق بشر جهانی است. برای نمونه بر مبنای بند «الف» ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی تبعیض نژادی، دولت‌های عضو ملزم شده‌اند تا از جمله «هرگونه تبلیغات و هرگونه سازمانی را که مبتنی بر ایده‌ها یا تئوری‌های برتری یک نژاد یا گروهی از اشخاص از یک منشأ رنگ یا قومیتی باشد یا تلاش برای توجیه یا ترویج تنفر و تبعیض نژادی در هر شکل آن باشد» ممنوع سازند. بنابراین اگر استناد به امنیت ملی در زمینه محدودسازی حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران با ترویج یک دیدگاه قومیتی یا نژادی به صورت بالاتر همراه باشد، استناد به امنیت ملی در این چنین شرایطی نمی‌تواند وجاهت قانونی از منظر حقوق بشر داشته باشد (۲۰).

۳-۴. جلوگیری از نقض نظم عمومی: طبق مقررات بین‌المللی حقوق بشر، تعریف ملی از نظم عمومی تا جایی

معتبر است که با تعریف مقررات بین‌المللی مطابقت داشته باشد و در غیر این صورت، حتی صلاحیت تقنینی کشورها نیز بر اساس مقررات بین‌المللی لازم‌الاجرای حقوق بشر محدود می‌شود. بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند صرفاً نقض مقررات داخلی خود را به عنوان عملی مغایر با نظم عمومی تلقی کند، بلکه این نقض قانون باید واجد معیارهای چندگانه‌ای که در فصل گذشته به آن‌ها اشاره گردید نیز باشد.

در قضیه کاستلز علیه دولت اسپانیا (Castells v. Spain)، میگوئل کاستلز (Miguel Castells) که از طرفداران استقلال منطقه باسک (Basque Country) محسوب می‌شد، در سال ۱۹۷۹ با نگارش مقاله‌ای تحت عنوان «مصونیت وقاحت‌آمیز» با افشای رابطه میان قتل‌های سیاسی در این ایالت با جناح راست (جناح حاکم) دولت اسپانیا و ماهیت گروه‌های شبه‌نظامی و تروریست فاشیست، متهم به توهین به دولت و تحریک به خشونت شد و در دادگاه‌های اسپانیا محکوم گردید. دولت اسپانیا برای اینکه در برابر دادگاه اروپایی حقوق بشر اقدامات خود را توجیه نماید، نه به عناصر ذهنی، بلکه به عناصر عینی و نوعی نظم عمومی استناد می‌کرد و با این حال نکته مهمی که دادگاه بر آن تأکید داشت، نقش مطبوعات در کنترل دولت و همچنین عدم اجازه به آقای کاستلز جهت اثبات ادعاهای خود در محاکم اسپانیا بود. در این قضیه چنین استنباط می‌شود که چون دادگاه اروپایی موضوع آقای کاستلز را مسأله کاملاً مرتبط با افکار عمومی ایالت باسک و قتل‌های خونباری که واقعاً رخ داده بود، می‌دانست، معتقد بود که مقتضیات یک جامعه دموکراتیک آزادی گفتگو در این زمینه‌ها را ایجاب می‌نماید. از نظر دادگاه اروپایی حقوق بشر: «در یک جامعه دموکراتیک، فعل یا ترک فعل دولت نه‌تنها توسط مقامات تقنینی یا قضایی، بلکه به وسیله مطبوعات و افکار عمومی نیز به دقت کنترل می‌شود.» به این ترتیب با استناد به اینکه مفهوم «نظم عمومی» در این قضیه با «ضرورت‌های یک جامعه دموکراتیک» منطبق نبوده، دولت اسپانیا در این قضیه محکوم گردید (۲۱).

۴-۴. اخلاق: یکی از مبهم‌ترین موارد اعمال محدودیت در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر، موضوع اخلاق است، چون در خصوص این مفهوم، معمولاً با برخوردهای ملی متفاوتی رو به رو هستیم، اما معمولاً مراجع بین‌المللی، از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر در این مورد بیشتر به ارزیابی‌های مراجع ملی توجه می‌کنند، البته دادگاه اروپایی حقوق بشر در این زمینه، صرفاً به دلایل مراجع ملی و دولتی اکتفا نمی‌کند و خود نیز به بررسی موضوع می‌پردازد، اما به خصوص در مورد مسأله اخلاق به نظر می‌رسد که نهایتاً دادگاه اروپایی حقوق بشر، با کشف داروی اخلاقی اکثریت در جامعه، در مقطع زمانی خاص، همان دآوری را ملاک عمل خود قرار می‌دهد.

به عنوان مثال در قضیه هندی ساید (Handy Side Case, Judgment of 7 December 1976)، ناشر کتابی که مسائل جنسی را برای کودکان و نوجوانان به طور کاملاً عریان تشریح می‌کرد، از طرف محاکم انگلستان محکوم شد و شکایت او نیز در دادگاه اروپایی حقوق بشر، منجر به تأیید اقدامات محاکم انگلستان در دادگاه اروپایی حقوق بشر گردید (۲۲).

همین موضوع در مورد قضیه مولر و دیگران (Muller and others, Judgment of 24 May 1998) در خصوص نقاشی‌های حاوی صور قبیحه در سوئیس که در دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح گردید (۲۳) و یا قضیه هرتزبرگ و دیگران علیه دولت فنلاند در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد پخش یک برنامه در زمینه همجنس‌بازی نیز صادق است (۲۴). در تمامی این موارد، اقدامات دولت‌ها در ایجاد محدودیت‌های مبتنی بر حفظ اخلاق عمومی توسط مراجع بین‌المللی تأیید گردید. در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر علاوه بر موارد فوق، به مواردی نیز اشاره شده است که در قالب ممنوعیت هتک حرمت مذاهب توسط رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران است. نمونه بارز آن در جریان قضیه «اتو - پریمینگر - اینستیتیو در مقابل اتریش» (Otto-Preminger - Institut v. Austria) (۱۹۹۴ م.) جلوه‌گر شده است. این قضیه در ۷ آوریل ۱۹۹۳ از سوی دولت اتریش علیه یک

مؤسسه انتشاراتی - مطبوعاتی به نام «اتو - پریمینگر - اینستیتیو» مطرح شد که سابقاً بر اساس ماده ۲۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دعوایی را علیه دولت اتریش به دلیل نقض حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها مطرح نموده بود. این مؤسسه انتشاراتی - مطبوعاتی بر اساس قوانین داخلی اتریش یک انجمن خصوصی مردم‌نهاد تلقی شده که هدف اصلی از تشکیل خود را ایجاد خلاقیت، انتشار خبر و سرگرمی از طریق رسانه‌های سمعی - بصری اعلام نموده بود. یکی از فعالیت‌های این انجمن خصوصی، شامل سینمافوتوگراف در منطقه‌ای از اتریش به نام اینس بروک می‌شد. در جریان این فعالیت، یک فیلم سینمایی به نام «شورا در بهشت (Council in Heaven)» پخش شد که در آن، اصول و ارزش‌های بنیادین مسیحیت به ویژه تثلیث، بیهوده و پوچ شمرده می‌شد. با درخواست کلیسا کاتولیک رم از دادستان کل اتریش بر اساس ماده ۱۸۸ قانون مجازات اتریش به اتهام «نظریات منجرکننده مذهبی»، دفتر دادستانی کل اتریش دعوایی را علیه این مؤسسه انتشاراتی - مطبوعاتی اقامه نمود. در نتیجه، پس از اولین نمایش فیلم در ۱۲ مه ۱۹۸۵، به دستور دادستان کل اتریش، دادگاه منطقه‌ای اینسبروک این کشور، بر اساس ماده ۳۶ قانون رسانه اتریش، به توقیف فیلم فوق به دلیل نظریات منجرکننده مذهبی پرداخت (۲۵).

در توضیح این قضیه بایستی گفت که بر اساس ماده ۱۴ قانون حقوق بنیادین اتریش، حق بر آزادی مذهبی به رسمیت شناخته شده است که مقرر می‌دارد: «۱- آزادی کامل اعتقادات و وجدان برای هرکسی تضمین می‌گردد؛ ۲- بهره‌مندی از حقوق مدنی و سیاسی می‌بایستی مستقل از باورهای مذهبی باشد؛ ۳- هیچ‌کس نمی‌بایست مجبور به شرکت در یک فعالیت مرتبط با کلیسا شده یا در جشن‌های مربوط به آن مشارکت نماید.» از سوی دیگر، حق بر آزادی مطبوعات و رسانه‌ها در بند «الف» ماده ۱۷ همین قانون مورد تأکید قرار گرفته است. با این حال، همان‌گونه که در ماده ۱۸۸ قانون مجازات اتریش تأکید شده بود، هرگونه هتک حرمت به باورهای مذهبی، جرم‌انگاری شده بود. نهایتاً دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز رأی

بر محدودیت آزادی رسانه‌ها به دلیل آزادی مذهب داده و آزادی مذهب را به نوعی بر آزادی رسانه‌ها اولویت داده است.

۴-۵. رعایت حقوق و اعتبار فردی و شغلی دیگران: بحث حفظ حقوق و رعایت اعتبار فردی و شغلی دیگران در قوانین ملی معمولاً با پیش‌بینی مواردی در قوانین کیفری، مانند عناوین مربوط به «افترا» یا «قذف» صورت می‌پذیرد. در این زمینه عامل تعیین‌کننده اساسی صحت یا سقم مطالب منتشرشده می‌باشد. با این حال عنصر سوءنیت نیز بر اساس رویه بین‌المللی از اهمیت برخوردار است. به بیان دیگر خلاف واقع بودن مطالب منتشره کفایت نمی‌کند. دادگاه اروپایی حقوق بشر، به خصوص در این زمینه به مقتضیات خاص بحث‌های سیاسی توجه ویژه‌ای مبذول کرده است. همچنین بحث کاریکاتور و طنز نیز، اگر از منظر فعالیت مطبوعاتی مورد توجه قرار بگیرد، فی‌نفسه نمی‌تواند به عنوان اهانت به حیثیت اشخاص قلمداد شود. سخنان نفرت‌برانگیز نیز در این گروه قرار می‌گیرند، علیرغم اینکه هیچ تعریفی از سخنان نفرت‌برانگیز در حقوق بین‌الملل و رویه قضایی اروپایی وجود ندارد. با این حال، سه دسته از سخنان نفرت‌برانگیز را در حقوق بین‌الملل تمییز نمود: «۱- اشکال شدید سخنان و نوشته‌جات نفرت‌برانگیز که حقوق بین‌الملل، دولت‌ها را ملزم نموده است تا نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام نمایند؛ ۲- اشکال سخنان و نوشته‌جات نفرت‌برانگیز که دولت‌ها می‌توانند نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام نمایند؛ ۳- اشکال سخنان و نوشته‌جات نفرت‌انگیز که دولت‌ها در صورتی که نسبت به جرم‌انگاری آن اقدام نمایند، در جهت تأمین اخلاق عمومی اقدام کرده‌اند.»

البته حفظ حقوق و حیثیت دیگران می‌توان جنبه‌های مختلفی را به خود بگیرد، یکی از مهم‌ترین حقوق در این زمینه، حقوق مالکیت فکری است. در قضیه موریس اوتریلو (Maurice Utrillo) که در ارتباط با یک برنامه تلویزیونی بود که اقدام به انتشار یک گزارش کوتاه در ارتباط با نقاش موریس اوترلو در پاریس فرانسه بود. در این گزارش، برخی از نقاشی‌های موجود در نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شد. به دنبال این پخش تلویزیونی، صاحب اثر از این ایستگاه

تلویزیونی درخواست نمود تا به جبران خسارت نمایش «غیر مجاز» تلویزیونی آثارش بپردازد. این کانال تلویزیونی با چند استدلال این درخواست را رد نمود، از جمله اینکه بر مبنای حق عموم نسبت به اطلاعات بر مبنای ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر. دادگاه بدوی نیز با این استدلال که نمایش این آثار نقاشی «حق بینندگان تلویزیونی نسبت به مطلع شدن به نحو مقتضی از یک رویداد فرهنگی است»، رأی به کانال تلویزیونی داد. با این حال، دادگاه‌های استیناف و دیوان عالی کشور فرانسه ضمن رد رأی بدوی، اعلام نمودند که مبتنی‌نمودن ادعای کانال تلویزیونی بر ماده ۱۰، غیر معتبر می‌باشد (۲۶). به عنوان مثال در قضیه تورگیر تورگیرسن علیه ایسلند (Thorgir Thorgeirson v. Iceland) یک شهروندی ایسلندی پس از نگارش و انتشار مقالاتش در مورد بدرفتاری و بی‌رحمی‌های پلیس در ریکیاویک به جرم افترا محکوم شد. دادگاه اروپایی با ملاحظه این امر که موضوع بدرفتاری پلیس یک امر واقعی و محرز بوده و به خصوص با توجه به حساسیت افکار عمومی و عدم احراز سوءنیت نویسنده مقالات، اقدام وی را نه تنها به عنوان توهین به حیثیت پلیس ریکیاویک تلقی نکرد، بلکه اقدامی اصلاح‌گرانه محسوب نمود و لحن تند وی را کاملاً طبیعی تلقی کرد (۲۷). همچنین در قضیه «شوب علیه اتریش (Schwabe v. Austria) نیز به خوبی به نقش عنصر سوءنیت و همچنین ضرورت‌های ناشی از مباحث سیاسی و مطبوعاتی پی می‌بریم (۲۸).

در هر موردی که دادگاه اروپایی حقوق بشر به این نتیجه رسیده است که مثلاً نویسنده یک مقاله بدون اینکه اجازه دفاع به طرف مقابل خود را بدهد، اتهاماتی را وارد کرده است که خود نیز به بی‌اساسی آن‌ها واقف بوده است، اقدامات دولت خوانده را مبنی بر محدودیت بر اساس حفظ حقوق و حیثیت دیگران تأیید نموده است.

نتیجه‌گیری

حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی و ماده ۱۱ منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی مورد شناسایی قرار گرفته است. نمی‌توان صرفاً از این مواد به عنوان

مشارکت نویسندگان

سارا فاموری: تدوین و اصلاحات مقاله، جمع‌آوری منابع.
حمید الهویی نظری: نظارت بر نگارش و اصلاحات مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که در نگارش این مقاله از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

مواد تضمین بخش حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران توجه نمود، کما اینکه در بسیاری از موارد، اسناد حقوق بشر جهانی هستند که به صورت مکمل در این زمینه عمل می‌نمایند. برای نمونه می‌توان به کنوانسیون بین‌المللی تبعیض نژادی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌الملل حقوق مدنی و سیاسی اشاره داشت که به ویژه در زمینه محدودیت بر حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران، نکات تفصیلی‌تری را مورد اشاره قرار داده‌اند که در اسناد حقوق بشر اروپایی مورد توجه کمتری قرار گرفته است. با توجه به وجود اصل سلسله‌مراتبی در میان حقوق بشر اروپایی و اینکه حق آزادی بیان، از جمله در سطح روزنامه‌نگاران، یکی از برجسته‌ترین و والاترین حقوق بشری است که در صورت تعارض با سایر حقوق بشر، بر آن‌ها تفوق پیدا می‌نماید. بنابراین بایستی معتقد بدان بود که محدودیت‌ها و استثنایات حاکم بر این حق بایستی حتی نسبت به سایر حقوق بشری به صورت مضیق‌تر تفسیر شود. بنابراین نظم عمومی در مفهوم مضیق آن در اعمال حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران مورد نظر می‌باشد.

برخی از انواع محدودیت‌ها و استثنایات تازه بر حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران وجود دارد که خود نیز یکی از حقوق بشری تلقی می‌شوند. به ویژه این سؤال مطرح می‌شود که برای نمونه در صورتی که رعایت حقوق مالکیت فکری با حق آزادی بیان روزنامه‌نگاران در تعارض باشد، کدام یک مقدم می‌گردد؟ در پاسخ به این سؤال بایستی گفت که در صورت چنین تعارضی، اگرچه ظاهراً پاسخ به این سؤال ممکن است این باشد که رعایت حقوق مالکیت فکری در چنین فرضی بایستی انجام شود، اما نمی‌توان در تمامی موارد این چنین پاسخ قاطعی داد، چراکه حق عموم نسبت به اطلاعات، یکی دیگر از حقوقی است که در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. بنابراین در صورتی که بتوان اثبات نمود که اطلاع‌یافتن عموم از اطلاعات در تعارض با حقوق مالکیت فکری صاحب اثر در یک خبر در روزنامه قرار می‌گیرد، در این صورت این حق عمومی اولویت دارد.

References

1. Castendyk O, Dommering E. *Journal of European Media Law*. 1st ed. New York: Kluwer Law International; 2018.
2. Barendt E. *Freedom of Speech*. 1st ed. Oxford: Oxford University Press; 2023.
3. UNESCO. *World Trends in Freedom of Expression and Media Development: Regional Overview of Western Europe and North America*. Paris: UNESCO; 2014.
4. European Court of Human Rights, Case of Youth Initiative for Human Rights v. Serbia, No.48135/06, 2013. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=002-7585>.
5. Asqari Z. Sanctioning Iranian National Media Journalists in International Law (Original Research). *International Law Review*. 2023; 40(71): 37-72. [Persian]
6. Rezaei M, Babazadeh Moghadam H. Principles of Codification for the Laws and Regulations of the Internet with the Emphasis on UNESCO and European Council Documents. *Iranian Public Law Journal*. 2015; 15(42): 43-82. [Persian]
7. European Convention on Human Rights, Council of Europe, 1950. Art.10.
8. Paris District Court. 3rd Chamber. 23 February 1999. 184 RIDA 374. 2000.
9. Paris Court of Appeals. 4th Chamber A. 30 May 2001. 191 RIDA 294. 2002.
10. European Audiovisual Observatory. *Political Debate and the Role of the Media: The Fragility of Free Speech*. Amsterdam: European Audiovisual Observatory; 2021.
11. European Court of Human Rights, Case of Voskuil v. The Netherlands, No.64752/01. 2007. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng-press?i=003-2185312-2334715>.
12. European Court of Human Rights, Case of Nordisk Film A/S v. Denmark, No.40485/02. 2005. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-71885>.
13. European Court of Human Rights, Case of Goodwin v. The United Kingdom, No.28957/95. 2002. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-60596>.
14. Zandiyeh H, Salarsravi H. Documentary Transparency and the Right to Free Access to Information. *Journal of Ganjineh-ye Asnad*. 2013; 12(5): 116-134. [Persian]
15. Rezvaei SH. The Right to Freedom of Expression and States' International Responsibility thereof. *Journal of Foreign Policy*. 2017; 30(4): 65-92. [Persian]
16. European Court of Human Rights, Case of Youth Initiative for Human Rights v. Serbia, No.48135/06. 2013. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=002-7585>.
17. European Court of Human Rights, Case of Ahmet Yildirim v. Turkey, No.3111/10. 2012. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-115705>.
18. European Court of Human Rights, Case of Groppera Radio AG and Others v. Switzerland, No.10890/84. 1990. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57623>.
19. International Center against Censorship. *The Three Pillars of Library*. London: International Center against Censorship; 1996.
20. Thornberry P. *The International Convention on Elimination of All Forms of Racial Discrimination: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press; 2016.
21. European Court of Human Rights, Case of Castells v. Spain, Series A, No.11798/85. 1992. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57772>.
22. European Court of Human Rights, Case of the Sunday Times v. the United Kingdom, No.6538/74. 1979. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57584>.
23. European Court of Human Rights, Case of Mullar v. Austria, No.12555/03. 2006. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/fre?i=001-77265>.
24. Hertzberg et al. v. Finland, CCPR/C/15/D/61/1979. 1979.
25. European Court of Human Rights, Case of Otto-Preminger-Institute v. Austria, No.13470/87. 1994. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57897>.
26. French Supreme Court, Court of Cassation, Civil Division, First Civil Chamber. 2015. 13-27.391.
27. European Court of Human Rights, Case of Thorgeirson v. Iceland, No.13778/88. 1992. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57795>.
28. European Court of Human Rights, Case of Schwabe v. Austria, No.13704/88. 1992. Available at: <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-57757>.